

## فرصتی برای تصفیه حساب دمکراتهای آذربایجانی با افراطیون خودی

زانا مرگوری

<http://mergewer.mihanblog.com>

در سالهای اخیر بخاطر سکوت و گاهی همراهی دمکراتهای آذربایجانی با افراطیونی همانند چهرگانی و اوبالی و میدان دادن به شعارها و سمبل های این گروههای افراطی در واقع ضربه ای دشوار به جنبش دمکراتیک و آزادیخواهانه مردم آذربایجان و کل جنبش دمکراسی خواهی در ایران وارد آمد. دمکراتهای آذربایجانی در مقابل نفرت پراکنی این افراطیون علیه هموطنان فارس، ارمنی و کرد و پناه بردن به عناصری همچو ملاحسنی نیز سکوت کردند و اکنون جنبش آذربایجان در اوج اعتلای خود و در پروسه ی توده ای شدن آن، دارد تاوان این اشتباه را می پردازد.

افراطیون وابسته به گروه چهرگانی و کانال تلویزیونی گون آذ براحتی سوار بر امواج جنبش دمکراتیک مردم آذربایجان گشته و شعارها و سمبل های خود را به آن تحمیل کردند. شعارهای آذربایجان یکی شود تبریز پایتخت آن گردد و زبان فارس زبان سگ است فارس روس ارمنی دشمن هر ترکی از جمله پررنگ ترین شعارهای تظاهرات های اخیر بودند. این شعارهای شدیداً قومی و جدایی خواهانه امکان هرگونه حمایت و همبستگی دیگر ساکنان ایران را از جنبش آذربایجان ناممکن ساخت. علاوه بر این استفاده از سمبل جنبش راسیستی و عمیقاً ارتجاعی گرگهای خاکستری که ضدیت با اقوام همسایه از جمله کردها و ارمنی ها یکی از پایه های اصلی آن می باشد بیشتر مایه نگرانی دیگران شد تا سبب جلب حمایت.

دمکراتها آذربایجانی کجا بودند؟

تصور کن که بجای شعارهای افراطی ضد اقوام دیگر و شعارهای استقلال طلبانه که در شرایط حاضر هیچگونه امکان تحقق ندارند و استفاده از سمبل گرگهای خاکستری شعارهایی در حمایت از خواسته های عادلانه فرهنگی و دمکراتیک مردم آذربایجان و در همبستگی با سایر ملل سر داده می شد. شعار دمکراسی برای ایران و آزادی های فرهنگی و سیاسی برای ملت آذربایجان و شعارهایی در جلب حمایت اقوام دیگر و بخصوص دو قوم فارس و کرد می بایست فضای این شهرها را پر می کرد. نقطه قابل تامل اینکه حتی در یک مورد هم شعار نسبتاً نرمتر و واقعی تر فدرالیسم شنیده نشد. شعاری که بنوعی می توانست سبب همراهی دیگر ملیت ها هم بشود. به امید آنکارا و باکو نشستن و گسستن همه پیوندها با تهران نیز خودکشی محض می باشد. دولت ترکیه در راستای منافع استراتژیک خود عمل می کند و همیشه سیاست عملگرایانه پیش می گیرد. ندادن اجازه پخش به کانال گون آذ از ماهواره ترک بخاطر معامله با جمهوری اسلامی نمونه واضحی می باشد. ترکیه می داند که با حمایت فعال از ترکهای آذربایجان منافع آن به احتمال زیاد بخطر بیفتد و با اینکه مثلاً شهر کرکوک از موقعیت کاملاً استراتژیکی برخوردار می باشد اما علیرغم داد و فریاد دیپلماتیک مقامات ترک عملاً ترکمن های کرکوک را به حال خود گذاشتند. متأسفانه رهبران افراطی آذری در سالهای اخیر تمام تلاش خود را بخرج دادند تا چهره ای پروترکیه و پان ترکیستی از خود نشان دهند و دمکرات های آذربایجانی با سکوت خود به تشدید این تصویر از جنبش آذربایجان کمک نمودند.

در مناطق مختلط و شهرهایی همچو نقده و ارومیه همه انرژی خود را صرف نفرت پراکنی علیه کردها کردند و تا آنجا پیش رفتند که از عنصر ضد مردمی و ارتجاعی مثل ملا حسنی با احترام یاد کرده و از عملکرد وی در سرکوب کردها در اوایل انقلاب تحت عنوان دفاع از منافع ملی آذربایجان تجلیل بعمل آوردند. الان هم همین ملاحسنی قبل از هر کس فرمان قتل عام آنانرا صادر میکند.

اوبالی مدیر تلویزیون ماهواره ای گون آذ که صحنه گردان اصلی قیام اخیر می باشد و از طریق برنامه های تلویزیونی پخش مستقیم اعتراضات را هدایت می کند علنا در برنامه های تلویزیونی خود آقای مصطفی هجری دبیرکل حزب دمکرات کردستان را فاشیستی می نامد که قرار است در آینده به قتل عام آذربایجانی ها بپردازد. نامبرده در برنامه مشترکی با شرکت چهرگانی به توده های مردم آذربایجان القا می کند که کردها تهدیدی جدی برای منافع ملی آذربایجان هستند و اتهام تروریست بودن به احزاب سیاسی کرد می زنند.

باز هم دمکراتهای آذربایجانی سکوت کردند و بجز یکی دو مورد محدود اعتراضی به این امر ننمودند و اجازه دادند که جوانان آذربایجانی که پایگاه اصلی این جنبش می باشند این افراطیون قومی را بعنوان رهبران و نظریه پردازان خود بپذیرند.

ولی الان مناسب ترین فرصت برای جبران این اشتباه فراهم گشته است. روشنفکران و فرهیختگان ترک آذربایجانی می بایست در فضای بوجود آمده کنونی که کسان بسیاری کنجکاوند تا با خواسته ها و دیدگاههای جنبش آذربایجان آشنا گردند آشکارا مخالفت خود را با شعارها و سمبل های افراطی نشان دهند، خواسته های دمکراتیک و ملی را مطرح سازند و بر اهمیت همبستگی با سایر هموطنان و پیوند خوردن با جنبش دمکراسی خواهی در ایران تاکید ورزند.

شکی نباید داشت که جمهوری اسلامی با ۲۷ سال سابقه سرکوب و با داشتن یکی از باتجربه ترین تشکیلات اطلاعاتی و امنیتی قدرت سرکوب و خاموشی موقت قیام اخیر را دارد. در سالهای اخیر رژیم اجازه داد که همه فعالین ترک خود را بشناسانند، رژیم بی شک با نفوذ در درون این هسته ها به اندازه کافی اطلاعات کسب کرده تا موقتا جنبش را سرکوب کند. این را هم باید دانست که تبریز و اردبیل سنج و مهاباد نیستند. در این شهرها رژیم هنوز از پایگاه قابل ملاحظه ای برخوردار است. خامنه ای و بسیاری از سردمداران رژیم ترک هستند. بازار سنتی در آذربایجان هنوز هم کمابیش از رژیم حمایت می کند. رژیم برای سرکوب فعالین آذری نیاز به آوردن لشکر و سرباز از مناطق دیگر ندارد به اندازه کافی لباس شخصی خودی و پاسدار محلی در آنجا وجود دارند.

برای خیزش بعدی باید دمکرات های آذربایجانی به میدان بیایند و سکان رهبری را از دست افراطیون قومی خارج سازند. این تنها شانس پیروزی مردم آذربایجان، مردم دیگر مناطق ملی و همه ملت ایران می باشد.

یکشنبه ۷ خرداد ۱۳۸۵، ساعت 21:00